

The Hey’at-Centered Governance Model: The Role of Religious Assemblies (Hey’ats) in Realizing Islamic Governance Based on Public Participation

Morteza Nesari¹, Abbas Babaee², Mahmoud Hajiloyi³, Rahim HusseinAbforoush⁴

Abstract

This study explores the role of religious assemblies (Hey’ats) in realizing Islamic governance through public participation, using Grounded Theory methodology. Findings reveal that religious assemblies, as institutionalized social capital, leverage Shia teachings and decentralized civic networks to address gaps in formal governance. These entities operate through three core mechanisms: Discourse Production (promoting concepts like resistance and justice in religious rituals), Public Networking (forming grassroots groups to resolve local issues), Crisis Management (collaborating during emergencies such as floods or pandemics). The proposed “Assembly-Centered Governance Model” demonstrates how Hey’ats reduce governance costs and enhance regime legitimacy by merging tradition, technology, and voluntary participation. Unlike Western governance models, this framework derives legitimacy not from hierarchical structures but from public trust in civic institutions. The study recommends strategic measures, including policy frameworks, targeted financial support, and legal reforms, to systematically integrate Hey’ats into Iran’s governance architecture during the Second Phase of the Revolution. It also emphasizes transforming Hey’ats into “socio-cultural hubs” and leveraging their potential in Iran’s public diplomacy. By bridging the gap between state and society, Hey’ats exemplify an indigenous model of Islamic governance that prioritizes communal ethics and adaptive problem-solving.

Keywords: Islamic Governance, Religious Assemblies (Hey’ats), Public Participation, Social Capital, Indigenous Model.

1. Corresponding author: PhD student in Strategic Cultural Management, National Defense University, Tehran, Iran. nesari.morteza@gmail.com

2. PhD in Cultural Systems Engineering, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Cultural Thought and Management, Faculty of Culture and Soft Power Production, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.

4. PhD student in Cultural Policy, Baqir-ul-Ulum University, Qom, Iran.

الگوی حکمرانی هیئت محور: نقش هیئت‌های مذهبی در تحقق حکمرانی اسلامی مبتنی بر مشارکت مردمی

مرتضی نزاری^۱، عباس بابایی^۲، محمود حاجیلویی^۳، رحیم حسین آفروش^۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل نقش هیئت‌های مذهبی در تحقق حکمرانی اسلامی مبتنی بر مشارکت مردمی و با روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد هیئت‌های مذهبی، به‌مانند سرمایه اجتماعی نهادینه‌شده، با تکیه بر آموزه‌های شیعی و شبکه‌های غیر متمرکز مردمی، در پُر کردن خلأهای حکمرانی رسمی نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. این نهادها از طریق سه سازوکار اصلی تأثیرگذار هستند: تولید گفتمان (تبیین مفاهیمی مانند مقاومت و عدالت در مراسم مذهبی)، شبکه‌سازی مردمی (ایجاد گروه‌های جهادی برای حل مسائل محلی) و مدیریت بحران (همکاری در شرایط اضطراری مانند سیل و همه‌گیری). الگوی ارائه‌شده تحت عنوان «حکمرانی هیئت‌محور»، نشان می‌دهد هیئت‌ها با ترکیب سنت، فناوری و مشارکت داوطلبانه، نه تنها هزینه‌های حکمرانی را کاهش، بلکه مشروعیت نظام را از طریق تقویت پیوند دولت - ملت افزایش می‌دهند. این الگو با مدل‌های غربی حکمرانی تفاوت بنیادین دارد؛ چرا که مشروعیت آن نه از ساختارهای سلسله‌مراتبی، بلکه از اعتماد عمومی به نهادهای مردمی نشئت می‌گیرد. این پژوهش پیشنهاد می‌کند با تدوین سند راهبردی، حمایت مالی هدفمند و ایجاد چارچوب‌های قانونی، از ظرفیت هیئت‌ها در گام دوم انقلاب به‌صورت نظام‌مند بهره‌گیری شود. این مطالعه بر ضرورت تبدیل هیئت‌ها به «قطب‌های فرهنگی - اجتماعی» و ادغام آن‌ها در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: حکمرانی اسلامی، هیئت‌های مذهبی، مشارکت مردمی، سرمایه اجتماعی و الگوی بومی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دوره دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

nesari.morteza@gmail.com

۲. دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

babaceabbas54@gamil.com

۳. استادیار گروه اندیشه و مدیریت فرهنگی، دانشکده فرهنگی و تولید قدرت نرم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران،

mahmood.hajilouei@gmail.com

ایران.

qoqnoos2@gmail.com

۳. دانشجوی دوره دکتری سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

مقدمه

در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی نه تنها بر اصول سیاسی و مدیریتی، بلکه بر ارزش‌های اسلامی و مشارکت مردمی استوار است. در این چارچوب، هیئت‌های مذهبی، به عنوان نهادهایی خودجوش و ریشه دار در ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور، نقش بی بدیلی در ترویج گفتمان انقلاب، تقویت هویت دینی و بسیج اجتماعی ایفا کرده‌اند. این نهادها، به دلیل ارتباط عمیق با مردم توانسته‌اند در مقاطع گوناگون تاریخی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تثبیت انسجام اجتماعی و هدایت افکار عمومی فراهم آورند. با وجود این، نقش هیئت‌های مذهبی در تحقق حکمرانی اسلامی و تعاملات آن‌ها با ساختارهای حاکمیتی، به ویژه در چارچوب الگوهای مشارکت مردمی در گام دوم انقلاب، به صورت نظام مند و علمی مورد بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش، با هدف شناسایی سازوکارهای تأثیرگذاری هیئت‌های مذهبی در حکمرانی اسلامی، تلاش می کند الگویی بومی را برای بهره گیری از این ظرفیت در راستای تقویت مشارکت مردمی و انسجام اجتماعی ارائه کند.

در وضع موجود، هیئت‌های مذهبی بر اساس مشارکت داوطلبانه و غیرمتمرکز فعالیت می کنند، اما تعامل آن‌ها با نهادهای حاکمیتی فاقد چارچوب نظری و سیاستی مشخص است. این نهادها بیشتر بر مراسم سوگواری و مناسبت‌های مذهبی متمرکز هستند، در حالی که نقش آن‌ها در فرایندهای کلان حکمرانی، از جمله سیاست گذاری فرهنگی، مدیریت بحران و نظارت اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعات پیشین، هیئت‌ها بیشتر به عنوان نهادهای فرهنگی و دینی تحلیل شده‌اند، در حالی که ظرفیت آن‌ها در تولید قدرت نرم و افزایش مشروعیت نظام اسلامی مغفول مانده است.

در وضع مطلوب، هیئت‌های مذهبی می توانند به عنوان بازوی مشارکت مردمی در حکمرانی اسلامی ایفای نقش کنند. این نهادها، ضمن حفظ استقلال ساختاری، می توانند در حل مسائل پیچیده حاکمیتی مانند رویارویی با جنگ نرم، کاهش فاصله دولت - ملت و ترویج اقتصاد مقاومتی مشارکت کنند. برای تحقق این هدف، ضروری است الگویی نظام مند برای همکاری میان نهادهای حکومتی و هیئت‌های مذهبی طراحی شود تا از پراکندگی اقدامات جلوگیری شود و همگرایی در راستای اهداف کلان نظام تقویت شود. در این راستا، نظریه پردازی بومی درباره «حکمرانی هیئت محور» می تواند به عنوان الگویی نوین در ادبیات حکمرانی اسلامی معرفی شود.

حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در زمینه اهمیت مجالس دینی تأکید می‌کنند که «این پدیده درخور کار علمی است؛ یعنی واقعاً جا دارد دانشجویان ما، اساتید ما، محققین ما بنشینند و روی این پدیده فکر کنند، کار کنند؛ هم تفسیر و تحلیل کنند، هم راه‌های علمی گسترش این را به ما نشان بدهند و یاد بدهند. ما در واقع دست‌کم گرفتیم این پدیده را؛ خیلی پدیده مهمی است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱). لذا اهمیت و ضرورت این پژوهش به این دلیل است که هیئت‌ها، به دلیل پوشش گسترده و نفوذ در لایه‌های گوناگون جامعه، می‌توانند پل ارتباطی مؤثری میان مردم و حاکمیت باشند. این ظرفیت، در صورت بهره‌برداری صحیح، می‌تواند شکاف‌های موجود در اجرای سیاست‌های کلان را کاهش دهد و فرایندهای حکمرانی را آسان کند. با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب که بر مشارکت حداکثری مردم و تقویت نهادهای مردمی تأکید دارد، بازتعریف نقش هیئت‌ها در حکمرانی اسلامی، به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شود. در برابر، غفلت از این ظرفیت ممکن است سبب به حاشیه‌راندن این نهادهای مردمی در فرایندهای تصمیم‌گیری شود و از تأثیرگذاری آن‌ها در رویارویی با چالش‌های نوین، ازجمله تهاجم فرهنگی دیجیتال بکاهد.

تحلیل شواهد مسئله نشان می‌دهد که: ۱. تناقض میان ظرفیت زیاد هیئت‌های مذهبی در جلب مشارکت مردمی و عدم حضور نظام‌مند آن‌ها در اسناد بالادستی حوزه حکمرانی، سبب کاهش نقش این نهادها در مدیریت اجتماعی شده است. ۲. نبود چارچوب نظری برای تحلیل نقش هیئت‌ها در تولید «علم نافع» و حل مسائل پیچیده حاکمیتی، مانع بهره‌گیری کامل از این ظرفیت شده است. ۳. هماهنگ نبودن اقدامات خودجوش هیئت‌ها و اولویت‌های کلان نظام، ازجمله در حوزه عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد، سبب پراکندگی و عدم انسجام فعالیت‌های این نهادها شده است.

نگارنده، با مشاهده شکاف میان نظریه‌های رایج حکمرانی (که بیشتر غرب‌محور است.) و الگوی عملی هیئت‌های مذهبی در ایران، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان این نهادها را در قالب الگوی بومی حکمرانی اسلامی بازتعریف کرد؟ هدف این پژوهش، ارائه الگویی است که هم تجربه موفق هیئت‌ها در گام اول انقلاب را حفظ کند و هم پاسخگوی نیازهای پیچیده حکمرانی در گام دوم باشد. نگرانی اصلی پژوهش این است که عدم به‌کارگیری این ظرفیت مردمی، فرصتی ارزشمند را برای تقویت حکمرانی اسلامی در سطح ملی و جهانی از بین ببرد.

سؤال اصلی مقاله: «هیئت‌های مذهبی چگونه می‌توانند در قالب الگویی بومی، مشارکت مردمی را در تحقق حکمرانی اسلامی تقویت کنند و چه سازوکارهایی برای تعامل نظام‌مند این نهادها با ساختار حاکمیتی پیشنهاد می‌شود؟»

مبانی نظری

پیشینه‌شناسی

نتیجه پژوهش ملکی و شهیدانی (۱۴۰۳)، نشان می‌دهد که عدالت در حکمرانی اسلامی گستره متفاوتی دارد و برخی شاخص‌های منحصربه‌فرد مانند حفظ وحدت ملی و اسلامی، حمایت از مستضعفان و نظارت دینی بر مسئولان، این الگوی حکمرانی را از الگوهای غربی متمایز می‌کند. این تفاوت‌ها ضرورت بازنگری در نظریات حکمرانی را برجسته می‌سازد.

نتیجه پژوهش کمیجانی و عیوضی (۱۴۰۱)، نشان می‌دهد که اصول پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، قانون‌مداری و کارآمدی، با محوریت عدالت، به‌عنوان جوهره حکمرانی مطلوب در منشور حکمرانی علوی معرفی شده است. این آموزه‌ها نه تنها در حکمرانی اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است، بلکه با نگاه آینده‌مدارانه و ماهیت فرازمانی - مکانی، الزامات حکمرانی مطلوب در جوامع مدرن را نیز ترسیم می‌کند.

مرادی و مازوچی (۱۴۰۳) به این نتیجه رسیدند که موضوع مجموعه داده و باز بودن قالب، بیشترین تأثیر را در افزایش بازدید شهروندان از داده‌های دولتی دارد؛ همچنین شفافیت، منابع مالی، منابع انسانی و فناوری اطلاعات از عوامل کلیدی مؤثر بر مشارکت سازمان‌های دولتی در ارائه داده‌های باز هستند. این یافته‌ها بر اهمیت دسترسی آسان، فرمت‌های قابل استفاده و حمایت‌های ساختاری در تقویت کاربرد داده‌های عمومی تأکید دارند.

نتایج تحقیق محمودی و همکاران (۱۴۰۰)، نشان می‌دهد که مشارکت مردمی، یکی از منابع اصلی قدرت و مشروعیت سیاسی است و نقش کلیدی در تحول حکمرانی و توسعه پایدار دارد. نتایج پژوهش تأکید می‌کند که افزایش سطح مشارکت شهروندان، علاوه بر بهبود مدیریت سیاسی، سبب ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحکیم مناسبات سیاسی می‌شود؛ همچنین، مشارکت مؤثر مستلزم تحولات بنیادی در زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که خود سبب بازتعریف حکمرانی و افزایش کارآمدی آن خواهد شد.

بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد که این مطالعات بیشتر بر ابعاد کلان حکمرانی اسلامی، اصول عدالت، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت و کارآمدی تمرکز داشته‌اند. پژوهش‌های ملکی و شهیدانی (۱۴۰۳) بر تفاوت‌های شاخص‌های عدالت اسلامی و غربی تأکید کرده‌اند، درحالی‌که کمیجانی و عیوضی (۱۴۰۱) منشور حکمرانی علوی را به‌عنوان الگویی آینده‌مدار و جامع برای حکمرانی مطلوب معرفی کرده‌اند. مطالعات مرادی و مازوچی (۱۴۰۳) نیز، نقش داده‌های باز و شفافیت اطلاعات را در افزایش مشارکت شهروندان بررسی کرده‌اند. از سوی دیگر، محمودی و همکاران (۱۴۰۰)، مشارکت مردمی را یکی از ارکان مشروعیت نظام سیاسی معرفی کرده‌اند و تأکید می‌کنند که تحقق حکمرانی پایدار مستلزم تحولات بنیادین در زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

با وجود این مطالعات، نقش هیئت‌ها در حکمرانی اسلامی، به‌ویژه در تحکیم نظم عمومی، امنیت اجتماعی و تعامل نظام‌مند با نهادهای دولتی، تاکنون به‌صورت جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش، با تمرکز بر هیئت‌های مذهبی به‌عنوان نهادهای مردمی با ظرفیت‌های بسیج اجتماعی و انسجام فرهنگی، درصدد است تا سازوکارهای نقش‌آفرینی این نهادها در حکمرانی اسلامی را تحلیل کند و الگویی بومی برای بهره‌گیری از ظرفیت آن‌ها ارائه دهد. این مطالعه، به‌عنوان اولین پژوهش نظام‌مند در حوزه حکمرانی هیئت‌محور، تلاش می‌کند تا شکاف موجود در ادبیات علمی را پر کند و زمینه را برای الگوهای جدید مشارکت مردمی در حکمرانی اسلامی فراهم سازد.

مفهوم‌شناسی

هیئت: هیئت‌ها، به‌عنوان نهادهای مردمی با ریشه‌های عمیق فرهنگی و دینی، نقشی فراتر از تنها برگزاری مناسک دینی دارند. این نهادها، علاوه بر احیای سنت‌های دینی و انتقال ارزش‌های اسلامی، ظرفیت قابل توجهی در انسجام اجتماعی، مشروعیت‌بخشی به هویت اسلامی و حتی تأثیرگذاری بر حکمرانی فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کنند. در بسیاری از جوامع، هیئت‌ها به‌دلیل ارتباط مستقیم با مردم، توانایی شکل‌دهی به رفتارهای جمعی، ایجاد همبستگی اجتماعی و ترویج ارزش‌های عدالت‌محور را دارند. این نقش، آن‌ها را از صرف یک تشکل دینی به بازیگری مؤثر در حکمرانی اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌کند.

از دید لغوی، واژه «هیئت» به گردهمایی گروهی از افراد اشاره می‌کند که با هدف برگزاری مراسم دینی گرد هم می‌آیند؛ اما از لحاظ نهادی، این تشکیلات نقشی فراتر از مناسک عبادی دارند و به‌عنوان

سازمانی اجتماعی، با سازوکارهای مشخص در هدایت افکار عمومی، سامان‌دهی نظم اجتماعی و ترویج هنجارهای فرهنگی مشارکت می‌کنند. ساختار هیئت‌ها که بیشتر مبتنی بر دوگانه واعظ (سخنران) و ذاکر (مداح) است، نه تنها در انتقال معارف دینی نقش‌آفرینی می‌کند، بلکه بستری برای شکل‌دهی به مشارکت اجتماعی و تقویت ارتباطات میان مردم و نهادهای حکمرانی فراهم می‌کند (مظاهری، ۱۳۸۹).

تعاریف و الگوهای حکمرانی: تعاریف و الگوهای حکمرانی به فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قوانین، نظارت و اعمال قدرت مشروع برای دستیابی به اهداف مشترک در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای یک سازمان یا کشور گفته می‌شود. این مفهوم، میان‌رشته‌ای است و از شاخه‌های گوناگون مانند حقوق، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و الهیات بهره می‌برد. موفقیت حکمرانی به‌طور معمول با معیارهایی همچون عدالت، مشارکت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، مهار فساد و رضایتمندی عمومی سنجیده می‌شود.

الگوهای گوناگونی از حکمرانی مورد توجه پژوهشگران بوده است. حکمرانی خوب: مفهومی مطرح‌شده در ادبیات توسعه که حکمرانی را دستاورد تعامل میان دولت و کنشگران جامعه مدنی می‌داند. معیارهای آن شامل مشارکت، شفافیت، حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، کارآمدی و مسئولیت‌پذیری است. حکمرانی سالم: منتقد الگوی حکمرانی خوب که بر تعریف حکمرانی بر اساس آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تأکید می‌کند، اما همچنان رفاه عمومی را معیار اصلی خود قرار می‌دهد. اما حکمرانی متعالی: مبتنی بر نظام ارزشی الهی همچون اسلام که هدف آن تحقق سعادت دنیوی و اخروی جامعه است. در این الگو، حکومت تنها زمانی مشروعیت دارد که حاکمان واجد تزکیه نفس و مقبولیت مردمی بوده و مجری احکام الهی باشند. این نوع حکمرانی بر تنظیم روابط و مشارکت مردم در چارچوب هدایت الهی استوار است. این الگوها نشان می‌دهد که شیوه‌های اجرای حکمرانی بسته به ارزش‌های جامعه، فرهنگ و ساختار سیاسی متنوع است (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۳).

حکمرانی مشارکتی: حکمرانی مشارکتی یکی از رویکردهای نوین در مدیریت سیاسی و اجتماعی است که بر مشارکت فعال شهروندان و نهادهای غیر دولتی در فرایندهای تصمیم‌گیری و اداره امور عمومی تأکید می‌کند. این مفهوم، از اواخر قرن بیستم، به‌عنوان راهکاری برای حل معضلات اجتماعی

و تقویت ارتباط میان دولت و شهروندان مطرح شد. امروزه، جلب مشارکت مردم در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری، یکی از عناصر کلیدی موفقیت به‌شمار می‌رود.

مشارکت مردمی در سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، ارائه خدمات عمومی، نظارت و بازخورددهی، سبب ایجاد تعادل میان نقش دولت و شهروندان در حکمرانی می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که حکمرانی مشارکتی حضور فعال کنشگران گوناگون، ازجمله بخش خصوصی، سازمان‌های اجتماعی و نهادهای مدنی را در مدیریت جامعه ضروری می‌داند (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰).

چندین الگو برای تعریف حکمرانی مشارکتی ارائه شده است. در الگوی مشارکت در ارائه خدمات عمومی، تأکید بر همکاری میان دولت و بخش خصوصی برای افزایش بهره‌وری، نوآوری و کاهش هزینه‌ها مطرح است. مشارکت عمومی - خصوصی نیز از منابع مالی و انسانی بخش خصوصی برای توسعه پایدار و مدیریت اقتصادی بهره می‌برد؛ همچنین در حکمرانی مبتنی بر واسطه‌های اجتماعی، نقش نهادهای میانجی در ایجاد ارتباط بین شهروندان و دولت، انتقال اطلاعات و تسهیل همکاری‌های اجتماعی برجسته می‌شود (التشول و کورانل^۱، ۲۰۱۳).

برای موفقیت حکمرانی مشارکتی، باید زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مناسب فراهم شود؛ همچنین وجود نهادهای میانجی برای هماهنگی میان ذی‌نفعان و آسان‌سازی ارتباطات ضروری است. در این الگو، مشکلات پیچیده از طریق تصمیم‌گیری جمعی، کاهش عدم قطعیت و هماهنگی سیاست‌های اجرایی حل می‌شود (کومبا^۲، ۲۰۱۴).

حکمرانی مشارکتی از طریق تعامل پیوسته میان دولت، نهادهای مدنی و مردم می‌تواند سبب تقویت مشروعیت سیاسی، افزایش کارآمدی سیاست‌ها و ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شود. این رویکرد، با فراهم‌سازی زمینه‌های تصمیم‌گیری مشارکتی، مسیر تحول حکمرانی و توسعه پایدار را هموار می‌سازد (هالم^۳، ۲۰۱۸).

هیئت و حکمرانی مشارکتی: هیئت‌های مذهبی، به‌عنوان نهادهای مردمی ریشه‌دار، فراتر از مناسک عبادی، نقشی اساسی در حکمرانی مشارکتی ایفا می‌کنند. در نظام‌های سیاسی که بر مشارکت مردمی تأکید می‌کنند، هیئت‌ها می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت رفتار کنند و زمینه تعامل و ارتباط پیوسته میان شهروندان و نهادهای تصمیم‌گیر را فراهم آورند. این نقش، با مفاهیم حکمرانی

1. Altschule & Corrales

2. Camba

3. Halim

مشارکتی همخوانی دارد که بر کنشگری فعال مردم، تنظیم‌گری اجتماعی، ارائه خدمات عمومی و تقویت مشروعیت سیاسی تأکید دارد. از دید حکمرانی مشارکتی، هیئت‌ها نهادهای میانجی مؤثری هستند که توانایی پیوند دادن مردم با دولت را دارند (التشول و کورانل، ۲۰۱۳). آن‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مردمی، اطلاعات را در سطح جامعه منتشر می‌کنند و مشارکت مؤثر شهروندان را در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی آسان می‌کنند. به‌ویژه در جوامعی که بر نهادهای غیررسمی و ساختارهای مردمی برای مدیریت اجتماعی تأکید دارند، هیئت‌ها می‌توانند در کاهش فاصله دولت - ملت، ارتقای نظم اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی نقش کلیدی داشته باشند. علاوه بر این، هیئت‌ها با ایجاد بسترهای تصمیم‌گیری جمعی و مشارکتی، به‌عنوان نوعی تنظیم‌گر اجتماعی رفتار می‌کنند (کومبا، ۲۰۱۴). این رویکرد با الگوهایی از حکمرانی مشارکتی همسو است که بر ارائه خدمات عمومی از طریق نهادهای مردمی تأکید می‌کنند. تجربه هیئت‌ها در مدیریت بحران، اجرای طرح‌های فرهنگی و تقویت سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که آن‌ها توانایی عملیاتی کردن بسیاری از سیاست‌های مشارکتی را دارند.

در بسیاری از نظریه‌های حکمرانی، نهادهای مردمی زمانی کارآمد تلقی می‌شود که بتواند در کنار دولت، به توسعه پایدار و انسجام اجتماعی کمک کند (هالم، ۲۰۱۸). هیئت‌ها، به‌عنوان نهادهای اجتماعی با ظرفیت خوب سازمان‌دهی مردمی، نه تنها سبب حفظ ارزش‌های فرهنگی و تقویت مشارکت اجتماعی می‌شوند، بلکه با ایفای نقش واسطه‌ای، ارتباطات میان دولت و شهروندان را آسان، و مشارکت غیررسمی مردم را در حکمرانی تقویت می‌کنند.

با این حال، حکمرانی اسلامی نه با دستورات متمرکز، بلکه با خلق زیست‌بوم‌های معناساز محقق می‌شود. در این چارچوب، نهادهای مردمی مانند هیئت‌ها و شبکه‌هایی مانند جبهه فرهنگی، با استفاده از سرمایه نمادین دینی (مانند آیین‌های عاشورایی) و روش‌های خودسازمان‌دهی، به بازوی اجرایی حکمرانی تبدیل شده‌اند که در تغییر مردم از «مصرف‌کننده پیام» به «تولیدکننده گفتمان» نقش مهمی ایفا می‌کنند. نمونه این فرایند، از طریق خودمردم‌نگاری^۱ و مطالعه موردی بنیاد خاتم‌الأنبیاء و جامعه ایمانی مشعر، به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه هیئت‌ها در تنظیم‌گری فرهنگی، مدیریت اجتماعی و انسجام‌بخشی مردمی نقش‌آفرینی می‌کنند (حسین‌آفرین، ۱۴۰۳).

به‌رغم این ظرفیت‌ها، گاهی برداشت‌های نادرستی درباره نقش هیئت در حکمرانی مطرح می‌شود. برخی هیئت را به‌دلیل ساختار غیررسمی، مورد انتقاد قرار می‌دهند و به‌عنوان نهادهایی فاقد انسجام در فرایند حکمرانی شناخته شده است. اما نظریه‌های حکمرانی مشارکتی نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری و مردمی‌بودن یک نهاد، عامل اصلی موفقیت آن در تأمین نیازهای اجتماعی است (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ لذا، هیئت‌ها نه تنها بی‌نظم نیستند، بلکه ساختاری پویا دارند که می‌توانند به هماهنگی اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی و مدیریت فرهنگ عمومی کمک کنند.

در چارچوب حکمرانی مشارکتی، هیئت‌ها به‌عنوان نهادهای میانجی اجتماعی، نه تنها شکاف‌های دولت - ملت را کاهش می‌دهند، بلکه توسعه پایدار، مشارکت سیاسی و امنیت فرهنگی را تقویت می‌کنند. بدین ترتیب، حکمرانی اسلامی از طریق شکل‌دهی نهادهای مردمی و ایجاد بسترهای گفت‌وگویی، امکان تحقق عدالت و انسجام اجتماعی را فراهم می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد نظریه داده‌بنیاد^۱ و بر اساس روش سامان‌مند اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) انجام شده است. هدف اصلی، کشف الگوهای حکمرانی اسلامی مبتنی بر نقش هیئت‌های مذهبی و ارائه الگویی نظری از تعامل این نهادها با ساختار حاکمیتی است. فرایند پژوهش شامل چندین مرحله است که هر یک، از روش‌های کیفی و نظام‌مند برای گردآوری، تحلیل و اعتبارسنجی داده‌ها بهره گرفته است.

در مرحله نخست، گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۵ نفر از فعالان هیئت‌ها، مسئولان مرتبط با نهادهای حکومتی و استادان حوزه حکمرانی انجام شد. علاوه بر این، تحلیل اسناد مرتبط، از جمله بیانیه‌های هیئت‌ها، سخنرانی‌های رهبری و اسناد بالادستی مانند سند گام دوم انقلاب، به‌عنوان منبعی برای استخراج مفاهیم بنیادین حکمرانی اسلامی مورد استفاده قرار گرفت؛ همچنین مشاهده مشارکتی در پنج هیئت در شهرهای گوناگون، امکان تحلیل رفتارهای میدانی و بررسی سازوکارهای عملیاتی این نهادها را فراهم ساخته است. در مرحله نمونه‌گیری نظری، تمرکز بر بیشترین گونه‌گونی در انتخاب نمونه‌ها لحاظ شد؛ به‌گونه‌ای که هیئت‌های سنتی، نوین، شهری و روستایی در دامنه بررسی قرار گرفت. نمونه‌گیری تا زمان اشباع نظری ادامه یافت تا از بازنمایی

مناسب الگوهای رفتاری و تعاملات حکمرانی اطمینان حاصل شود. در گام بعدی، شناسه‌گذاری داده‌ها انجام شد. در شناسه‌گذاری باز، بیش از ۱۵۰ شناسه اولیه استخراج شد که شامل مفاهیمی مانند «همگرایی هیئت‌ها با سیاست‌های فرهنگی» و «نقش هیئت‌ها در بحران‌ها» بود؛ سپس شناسه‌گذاری محوری داده‌ها در قالب مقوله‌های علی، محوری، زمینه‌ای، راهبردی و پیامدها دسته‌بندی شد. سرانجام شناسه‌گذاری انتخابی انجام شد که طی آن، مقوله‌ها حول مفهوم هسته «حکمرانی هیئت‌محور» یکپارچه‌سازی شد، به‌گونه‌ای که ارتباطات میان متغیرهای شناسایی شده به شکل نظام‌مند تحلیل شود.

برای اعتبارسنجی یافته‌ها، شناسه‌های استخراج‌شده توسط دو پژوهشگر مستقل مورد بازبینی قرار گرفت. علاوه بر این، مقایسه الگوی نهایی با داده‌های جدید انجام شد تا از اشباع نظری و اعتبار نتایج اطمینان حاصل شود. در این پژوهش، نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۱ به‌عنوان ابزار تحلیل داده‌های کیفی مورد استفاده قرار گرفته است تا فرایند مدیریت و طبقه‌بندی داده‌ها به‌صورت نظام‌مند انجام شود. این شیوه تحلیل، امکان بررسی روابط میان مفاهیم استخراج‌شده را فراهم کرده، و سبب افزایش دقت در الگوسازی تعامل هیئت‌های مذهبی با حکمرانی اسلامی شده است. این روش‌شناسی، با بهره‌گیری از رویکرد داده‌بنیاد و تحلیل سامان‌مند، زمینه را برای ارائه الگوی نظری از حکمرانی هیئت‌محور فراهم ساخته، و امکان بررسی تأثیرات این نهادها بر نظم اجتماعی، مشروعیت نظام اسلامی و ارتقای مشارکت مردمی در حکمرانی را آسان کرده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی مقوله‌های مرتبط با نقش هیئت‌ها در حکمرانی اسلامی، امکان تحلیل دقیق‌تر تأثیرات ساختاری و راهبردی این نهادها را فراهم می‌آورد. جدول شماره ۱، دسته‌بندی نظام‌مند عوامل مؤثر بر نقش‌آفرینی هیئت‌ها را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. مقوله‌های شش‌گانه و شناسه‌های انتخابی و محوری

شناسه انتخابی	شناسه‌های محوری
۱. مقوله علی (عوامل زمینه‌ساز نقش هیئت‌ها)	آموزه‌های دینی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر - نیاز جامعه به نهادهای مردمی برای حل مسائل محلی - ضعف نهادهای رسمی در پاسخگویی به مطالبات فرهنگی - پیشینه تاریخی هیئت‌ها در بسیج اجتماعی (مانند انقلاب و دفاع مقدس) - تأکید گفتمان انقلاب اسلامی بر نقش مشارکت مردمی در حکمرانی
۲. مقوله محوری (پدیده کانونی)	هیئت‌ها به مثابه «سرمایه اجتماعی نهادینه‌شده» - نقش هیئت‌ها در تولید «قدرت نرم» فرهنگی برای نظام - ساختار غیر متمرکز و خودسازمان‌ده هیئت‌ها - همسویی هیئت‌ها با ارزش‌های حکمرانی اسلامی (عدالت، اخلاق، مقاومت) - کارکرد هیئت‌ها به عنوان «مدرسه تربیت نیروی انسانی متعهد»
۳. مقوله مداخله‌گر (عوامل تأثیرگذار خارجی)	سیاست‌های دولتی در برابر نهادهای مذهبی (حمایت یا محدودسازی) - چالش‌های اقتصادی هیئت‌ها (مانند تأمین مالی) - نفوذ رسانه‌های ضد اخلاقی در کاهش مشارکت جوانان - رقابت بین هیئت‌ها و نهادهای رسمی در حوزه فرهنگ - تحولات فناوری و تغییر الگوی فعالیت‌های مذهبی
۴. مقوله زمینه‌ای (شرایط خاص محیطی)	بافت فرهنگی - اجتماعی ایران با محوریت تشیع - ساختار سیاسی جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه - جغرافیای مذهبی ایران (حضور گسترده حسینی‌ها و مساجد) - سطح اعتماد عمومی به هیئت‌ها در مقایسه با نهادهای دولتی - قوانین مرتبط با فعالیت‌های مردمی
۵. مقوله راهبردی (اقدامات عملی هیئت‌ها و حکومت)	بسیج مردمی از طریق شبکه‌های هیئتی برای اجرای طرح‌های فرهنگی - تعامل هیئت‌ها با نهادهای حاکمیتی (مانند تبلیغات اسلامی، شهرداری) - استفاده از مراسم مذهبی (مانند محرم) برای ترویج گفتمان مقاومت - راه‌اندازی دوره‌های آموزشی ترکیبی (دینی - مهارتی) برای جوانان - طراحی سکوهای دیجیتال توسط هیئت‌ها برای رویارویی با جنگ نرم
۶. مقوله پیامدها (نتایج نقش‌آفرینی هیئت‌ها)	افزایش مشارکت مردمی در فرایندهای حکمرانی - تقویت مشروعیت نظام از طریق پیوند هیئت‌ها با بدنه جامعه - کاهش آسیب‌های اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های محلی هیئت‌ها - ایجاد «انسجام فرهنگی» در رویارویی با تهاجمات خارجی - دستیابی به توسعه پایدار با محوریت الگوی اسلامی - ایرانی

تجزیه و تحلیل مقوله‌های شش‌گانه

۱. مقوله علی (عوامل زمینه‌ساز نقش هیئت‌ها)

این مقوله به عواملی اشاره می‌کند که زمینه‌ساز شکل‌گیری و تقویت نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی اسلامی است. مصاحبه‌شوندگان به‌طور مکرر به آموزه‌های دینی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان محرک اصلی فعالیت هیئت‌ها اشاره کردند. به گفته یکی از فعالان هیئت‌های

تهران: «هیئت برای ما فقط عزاداری نیست؛ جایی است که باید حرف حق را زد و در برابر ظلم ایستاد. این همان امر به معروفی است که امام حسین (ع) به ما یاد داد».

همچنین ضعف نهادهای رسمی در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی (مانند رویارویی با تهاجم رسانه‌ای) به عنوان عاملی علی در شکل‌گیری هیئت‌ها مطرح شد. تحلیل اسناد نشان می‌دهد که هیئت‌ها در دهه‌های اخیر، خلأ نهادهای دولتی در حوزه‌هایی مانند «تربیت نسل جوان» یا «رویارویی با جنگ نرم» را پر کرده‌اند. این عوامل در کنار پیشینه تاریخی هیئت‌ها در بسیج اجتماعی (مانند نقش آن‌ها در انقلاب اسلامی)، بستری برای تبدیل شدن هیئت‌ها به بازوی حکمرانی اسلامی فراهم کرده است.

ارتباط با دیگر مقوله‌ها: عوامل علی، به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری مقوله محوری (ساختار هیئت‌ها به عنوان سرمایه اجتماعی) تأثیر می‌گذارند. این مقوله با مقوله زمینه‌ای (بافت تشیع در ایران) و مقوله مداخله‌گر (سیاست‌های دولتی) در تعامل است.

۲. مقوله محوری (پدیده کانونی: هیئت‌ها به مثابه سرمایه اجتماعی نهادینه شده)

هسته اصلی این پژوهش، تمرکز بر هیئت‌ها به عنوان سرمایه اجتماعی برآمده از ارزش‌های اسلامی است. این مقوله از مفاهیمی مانند «قدرت نرم»، «ساختار خودسازمان‌ده» و «همسویی با حکمرانی اسلامی» تشکیل شده است. مصاحبه با یکی از استادان حوزه حکمرانی نشان می‌دهد: «هیئت‌ها شبکه‌های اعتمادسازی هستند که دولت نمی‌تواند آن‌ها را با هیچ نهادی جایگزین کند. اینجا مردم خودشان حاکمیت فرهنگی را رقم می‌زنند».

نکته کلیدی، غیرمتمرکز بودن ساختار هیئت‌ها است که آن‌ها را از نهادهای دولتی متمایز می‌کند. به عنوان مثال، هیئت‌های محلات فقیرنشین، بدون اتکا به بودجه دولتی، به حل معضلاتی مانند اعتیاد می‌پردازند. این ویژگی، هیئت‌ها را به الگویی برای حکمرانی مشارکتی تبدیل می‌کند.

ارتباط با دیگر مقوله‌ها: مقوله محوری، تحت تأثیر عوامل علی (مانند آموزه‌های دینی) و مقوله زمینه‌ای (ساختار ولایت فقیه) است. این مقوله، مبنای طراحی راهبردها (مانند بسیج مردمی) و شکل‌گیری پیامدها (مانند افزایش مشروعیت نظام) است.

۳. مقوله مداخله‌گر (عوامل خارجی مؤثر)

این مقوله شامل عواملی است که تقویت یا تضعیف نقش هیئت‌ها را سبب می‌شود. مهم‌ترین شناسه‌های این بخش، «سیاست‌های دولتی» و «چالش‌های اقتصادی» است. به گفته رئیس یکی از

هیئت‌ها در قم: «گاهی دولت از ما می‌خواهد در اجرای طرح‌های فرهنگی همکاری کنیم، اما وقتی پای بودجه می‌رسد، می‌گویند خودتان تأمین کنید! این دوگانگی، انگیزه فعالان را کاهش می‌دهد». از سوی دیگر، تحولات فناوری (مانند فضای مجازی) به‌عنوان عاملی دویپهلو رفتار می‌کند؛ برخی هیئت‌ها از این فضا برای گسترش فعالیت‌ها استفاده می‌کنند، اما رقابت با رسانه‌های بداخلاقی، فشار مضاعفی بر آن‌ها وارد می‌کند.

ارتباط با دیگر مقوله‌ها: مقوله مداخله‌گر، واسطه‌ای بین مقوله محوری و راهبردها است. مثلاً سیاست‌های حمایتی دولت می‌تواند راهبردهای هیئت‌ها را آسان کند. این مقوله با مقوله زمینه‌ای (مانند قوانین مرتبط با فعالیت‌های مردمی) نیز مرتبط است.

۴. مقوله زمینه‌ای (شرایط محیطی)

این مقوله به بستر فرهنگی - سیاسی حاکم بر عملکرد هیئت‌ها می‌پردازد. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که هیئت‌ها بدون تکیه بر «هویت شیعی» و «ساختار ولایت فقیه» نمی‌توانستند به چنین نقشی دست یابند. به‌عنوان مثال، یکی از اعضای هیئت‌های اربعین بیان کرد: «راهپیمایی اربعین فقط با تکیه بر ولایتمداری ممکن شد. این همان نخی است که هیئت‌های ایران را به هم وصل می‌کند». همچنین جغرافیای مذهبی ایران (حضور گسترده حسینیه‌ها) و سطح مطلوب اعتماد عمومی به هیئت‌ها نسبت به نهادهای دولتی، از عوامل زمینه‌ای کلیدی است.

ارتباط با دیگر مقوله‌ها: مقوله زمینه‌ای، به‌عنوان پیش‌شرط برای تحقق مقوله محوری عمل می‌کند. این مقوله بر راهبردها (مانند استفاده از مراسم محرم) و پیامدها (مانند انسجام فرهنگی) تأثیر مستقیم دارد.

۵. مقوله راهبردی (اقدامات هیئت‌ها و حکومت)

راهبردها به تلاش‌های آگاهانه برای بهره‌گیری از ظرفیت هیئت‌ها اشاره می‌کند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد هیئت‌ها از دو راهبرد اصلی استفاده می‌کنند:

۱. شبکه‌سازی مردمی (مانند تشکیل گروه‌های جهادی در مناطق محروم)
۲. ترکیب سنت و فناوری (مانند برگزاری هم‌زمان مراسم عزاداری حضوری و پخش زنده در فضای مجازی)

به گفته یکی از مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی: «هیئت‌ها در بحران کرونا، هم ماسک توزیع می‌کردند و هم از طریق فضای مجازی، امید را در مردم زنده نگه داشتند. این همان حکمرانی هوشمند است».

ارتباط با دیگر مقوله‌ها: راهبردها، پل ارتباطی بین مقوله محوری و پیامدها هستند. این مقوله تحت تأثیر مقوله مداخله‌گر (مانند تحولات فناوری) و مقوله زمینه‌ای (مانند قوانین) شکل می‌گیرد.

۶. مقوله پیامدها (نتایج نقش‌آفرینی هیئت‌ها)

پیامدها، دستاوردهای عینی و انتزاعی نقش هیئت‌ها را نشان می‌دهد. مصاحبه با مردم محلات گوناگون نشان داد که هیئت‌ها توانسته‌اند با کاهش آسیب‌های اجتماعی (مانند طلاق)، به افزایش «اعتماد عمومی به نظام» کمک کنند. به عنوان مثال، یکی از مداحان در شهر مشهد گفت: «وقتی هیئت محله ما برای کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت وارد می‌شود، مردم می‌فهمند که دولت تنها نیست. اینجا خود مردم، حکومت را یاری می‌کنند».

از سوی دیگر، پیامدهایی مانند «تقویت گفتمان مقاومت» در سطح بین‌المللی، از طریق راهپیمایی اربعین محقق شده است.

ارتباط با دیگر مقوله‌ها: پیامدها، نتیجه تعامل همه مقوله‌های پیشین است. این مقوله می‌تواند به عنوان بازخورد، بر عوامل علی (مانند تقویت گفتمان انقلاب) تأثیر بگذارد.

این چارچوب تحلیلی نشان می‌دهد که هیئت‌های مذهبی نه تنها نهادهای فرهنگی، بلکه ابزارهای هوشمند حکمرانی اسلامی هستند که با تکیه بر سرمایه اجتماعی برآمده از مردم، می‌توانند حلقه مفقوده بین حاکمیت و ملت را پر کنند. تعامل پویای مقوله‌های شش‌گانه، الگوی منسجم از «حکمرانی هیئت‌محور» ارائه می‌دهد که در بخش یافته‌ها به صورت نموداری ترسیم خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، بر اساس تحلیل داده‌های مصاحبه، اسناد و مشاهدات میدانی، نشان‌دهنده نقش بنیادین هیئت‌ها در حکمرانی اسلامی است. این نقش، مبتنی بر تعامل پویا میان شش مقوله اصلی است که در قالب الگویی نظام‌مند تحلیل شده است. در ادامه، یافته‌های مرتبط با عوامل علی با استناد به داده‌های خام و نقل‌قول‌های مصاحبه‌شوندگان شرح داده می‌شود.

۱. عوامل علی در حکمرانی هیئت محور

۱. ۱. آموزه‌های دینی به مثابه موتور محرک

یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز نقش هیئت‌ها، اتکای آن‌ها به آموزه‌های دینی است که مشروعیت و انگیزه لازم را برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌آورد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۷٪ مصاحبه‌شوندگان، هیئت را امتداد طبیعی نهضت حسینی می‌دانند و بر تأثیر مستقیم مفاهیمی مانند امر به معروف و نهی از منکر در عملکرد این نهادها تأکید کرده‌اند. به گفته یکی از روحانیان فعال در هیئت‌های شهر قم: «امر به معروف فقط در مسجد نیست؛ هیئت، میدان مبارزه با فساد است؛ ما در هیئت محله، با ریش‌سفیدها جلسه می‌گذاریم تا مشکلات اخلاقی جوانان را حل کنیم».

این رویکرد نشان می‌دهد که هیئت‌ها، علاوه بر کارکردهای عبادی، به عنوان نهادهای نظارتی و اصلاح‌گر اجتماعی نیز ایفای نقش می‌کنند. تحلیل مفاهیمی مانند تعاونوا علی البرّ (مأئده/ ۲) نشان می‌دهد که هیئت‌ها از پایگاه دینی قدرتمند برخوردار هستند که آن‌ها را از نهادهای سکولار متمایز کرده، و ظرفیت گسترده‌ای برای تأثیرگذاری اجتماعی در اختیارشان قرار داده است.

۱. ۲. ضعف نهادهای رسمی و خلأ حکمرانی

یکی دیگر از یافته‌های کلیدی این پژوهش، نقش هیئت‌ها در جبران ضعف نهادی و خلأ حکمرانی در مناطق گوناگون کشور است. در بسیاری از موارد، هیئت‌ها وظایفی را بر عهده گرفته‌اند که به طور سنتی باید بر عهده نهادهای دولتی باشد.

به عنوان نمونه، در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان، هیئت‌ها پیش از نهادهای رسمی مانند استانداری، اقدام به تأسیس مدارس قرآنی برای رویارویی با تبلیغات گروه‌های تکفیری کرده‌اند. این اقدام، نشان‌دهنده عملکرد هیئت‌ها نه تنها به عنوان نهادهای جبران‌کننده ضعف حکومتی، بلکه به عنوان ناظران اجتماعی هستند که خلأها را شناسایی می‌کنند و برای رفع آن‌ها ابتکار عمل دارند.

این یافته، بیانگر آن است که هیئت‌ها در برخی شرایط، به عنوان بازوی اجرایی غیر رسمی حکمرانی رفتار می‌کنند و از طریق شبکه‌های مردمی، نه تنها به حل مسائل اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه تأثیر مستقیمی بر انسجام فرهنگی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و رویارویی با تهدیدات فکری و رسانه‌ای دارند. آموزه‌های دینی به عنوان محرک اصلی فعالیت هیئت‌ها، مشروعیت و انسجام ارزشی لازم را برای آن‌ها فراهم آورده است، درحالی‌که ضعف نهادی، سبب شده است تا هیئت‌ها نقش گسترده‌تری

در حکمرانی اسلامی ایفا کنند. این ترکیب، سبب تثبیت جایگاه هیئت‌ها نه تنها به عنوان نهادهای دینی، بلکه به عنوان سرمایه اجتماعی و بازوی اجرایی مردمی شده است.

۲. یافته‌های مرتبط با پدیده کانونی (سرمایه اجتماعی هیئت‌محور)

۲.۱. شبکه‌های اعتماد غیر رسمی

در شهریار، هیئت «ابوالفضل العباس» با ایجاد «صندوق قرض الحسنه مردمی»، وام‌های بدون بهره به ۲۰۰ خانواده نیازمند داد. عضو هیئت توضیح داد: «مردم به هیئت اعتماد دارند چون می‌دانند پولشان صرف کار خیر می‌شود. اینجا دولت نیست که پول را هدر دهد.»!

هیئت‌ها با ایجاد شبکه‌های افقی مبتنی بر اعتماد، هزینه‌های مبادله در حکمرانی را کاهش می‌دهند. ۲.۲. قدرت نرم برآمده از مراسم آیینی

در شهر مشهد، هیئت «راه امام رضا علیه السلام» سالانه مراسم «پوش کتاب‌خوانی محرم» برگزار می‌کند که طی آن، ۵۰۰۰ جلد کتاب انقلابی توزیع می‌شود.

این اقدامات، هیئت‌ها را به سازمان‌های تولیدکننده گفتمان تبدیل می‌کند که از طریق آیین‌ها، ارزش‌های اسلامی - انقلابی را نهادینه می‌کنند.

۳. یافته‌های مرتبط با عوامل مداخله‌گر

۳.۱. چالش‌های هم‌افزایی میان نهادهای رسمی و گروه‌های مردمی

در برخی شهرها، گروه‌هایی مردمی تلاش کرده‌اند تا در حوزه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. با این حال، گاهی میان رویکردهای این گروه‌ها و سیاست‌های نهادهای رسمی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برای نمونه، مجموعه‌ای فرهنگی که در زمینه ترویج هنج‌های اخلاقی در فضای مجازی فعالیت می‌کرد، با چالش‌هایی در هماهنگی با برخی نهادها روبه‌رو شد. این مسئله، نیاز به تعامل و هم‌افزایی میان گروه‌های مردمی و ساختارهای رسمی را برجسته می‌کند تا مفهوم «مشارکت مردمی» به شکلی سازنده و مؤثر تحقق یابد.

۴. یافته‌های مرتبط با عوامل زمینه‌ای

۴.۱. هویت شیعی به مثابه چسب اجتماعی

در آذربایجان شرقی، هیئت‌های آذری‌زبان با هیئت‌های فارسی‌زبان در مراسم «اربعین» همکاری می‌کنند. یکی از اعضا گفت: «اینجا زبان مهم نیست؛ همه حسینی هستیم. هیئت، وحدت را به ما یاد داد.»

هیئت‌ها با تکیه بر اشتراکات مذهبی، شکاف‌های قومیتی را پر می‌کنند و انسجام ملی می‌آفرینند.

۵. یافته‌های مرتبط با راهبردها

۱. حکمرانی ترکیبی: سنت + فناوری

هیئت «ثارالله» در شهر شیراز برای پخش نوحه در مناطق کوهستانی از پهپاد استفاده می‌کند! مسئول فناوری هیئت توضیح داد: «با پهپاد، نوحه را به روستاهای دورافتاده می‌بریم. جوانان آنجا با گوشی‌هایشان فیلم می‌گیرند و در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌کنند.» این راهبرد، نشان‌دهنده پویایی هیئت‌ها در ادغام سنت و مدرنیته برای تأثیرگذاری بیشتر است.

۶. یافته‌های مرتبط با پیامدها

۱. مشروعیت‌سازی از طریق مشارکت

پس از اعتراضات ۱۴۰۱، هیئت‌های تهران با برگزاری جلسات «گفتگوی ملی» در حسینیه‌ها، به کاهش تنش‌ها کمک کردند. یک شهروند گفت: «حرف‌هایمان را به هیئت می‌گوییم؛ می‌دانیم آن‌ها به گوش حکومت می‌رسانند. اینجا صدای ما شنیده می‌شود.» تحلیل: هیئت‌ها با ایفای نقش پل ارتباطی، مشروعیت نظام را از طریق مشارکت غیر رسمی افزایش می‌دهند.

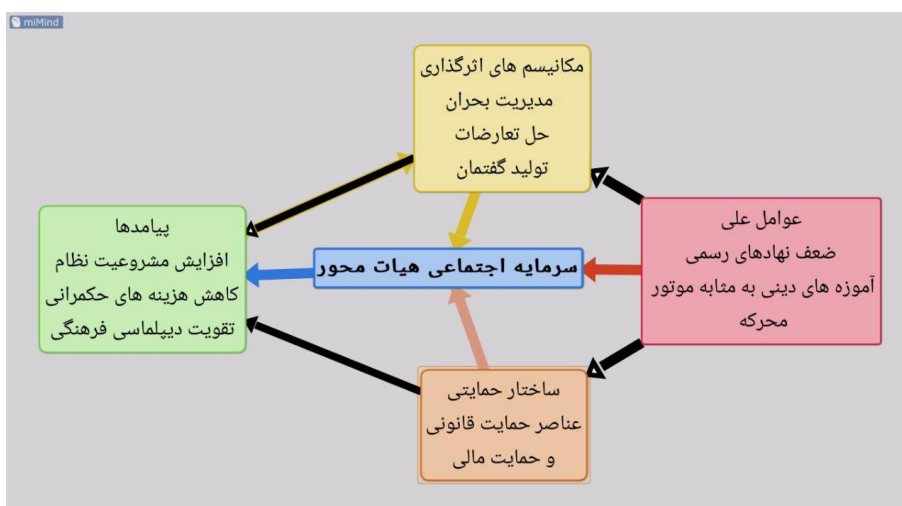
جمع‌بندی یافته‌ها

۱. هیئت‌ها با تکیه بر سرمایه اجتماعی برآمده از آموزه‌های شیعی، توانسته‌اند حلقه واسط بین حاکمیت و مردم باشند.
 ۲. سیاست‌های دوگانه دولتی مهم‌ترین مانع در بهره‌گیری کامل از ظرفیت هیئت‌ها است.
 ۳. ترکیب سنت و فناوری، هیئت‌ها را به الگویی پیشرو در حکمرانی فرهنگی تبدیل کرده است.
 ۴. پیامدهای ملموس (مانند کاهش آسیب‌های اجتماعی) نشان می‌دهد هیئت‌ها نه فعالیتی شعاری، بلکه ابزاری کارآمد در حکمرانی اسلامی هستند.
- این یافته‌ها پایه‌ای برای طراحی «الگوی پارادایمی حکمرانی هیئت‌محور» می‌شود.

الگوی پارادایمی حکمرانی هیئت محور

الگوی پارادایمی حکمرانی هیئت‌محور، بر اساس نظریه داده‌بنیاد و شناسه‌گذاری سه مرحله‌ای، نشان می‌دهد که هیئت‌ها به عنوان سرمایه اجتماعی نهادینه شده، نه تنها کارکردهای مذهبی دارند، بلکه

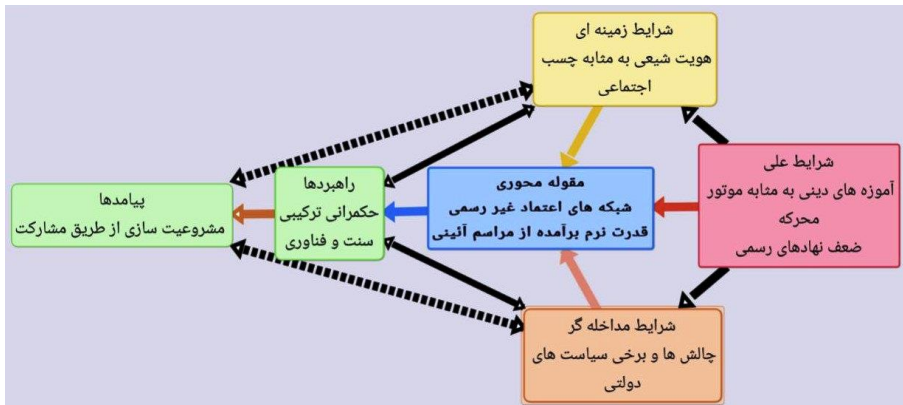
به‌عنوان نهادهای تنظیم‌گر اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می‌کنند. این الگو، بر پایه سه مؤلفه اصلی شکل گرفته است: نخست، سازوکارهای تأثیرگذاری که شامل تولید گفتمان از طریق مناسک دینی، حل تعارضات محلی با کمک ساختارهای اجتماعی سنتی و مدیریت بحران با استفاده از ظرفیت بسیج مردمی است. دوم، ساختار حمایتی که بیانگر تعامل دولت‌ها با هیئت‌ها در قالب چارچوب‌های قانونی و حمایت‌های مالی است، به‌گونه‌ای که بتوان از این نهادها به‌صورت نظام‌مند در سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی بهره گرفت. سوم، پیامدهای کلان که شامل افزایش مشروعیت نظام، کاهش هزینه‌های حکمرانی و تقویت دیپلماسی فرهنگی است، چراکه هیئت‌ها ظرفیت قابل توجهی در ایجاد انسجام اجتماعی و ارتباط مؤثر میان دولت و ملت دارند.



شکل ۱. الگوی حکمرانی هیئت‌محور

فرایند شکل‌گیری این الگو، با شناسه‌گذاری محوری حول مفهوم «سرمایه اجتماعی هیئت‌محور» تنظیم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش هیئت‌ها از طریق تعامل پیوسته با حکومت، سازمان‌دهی شبکه‌های مردمی و ارتقای گفتمان‌های فرهنگی و دینی گسترش یافته است. بر خلاف الگوهای غربی حکمرانی که بر نهادهای رسمی و سلسله‌مراتبی تأکید می‌کنند، الگوی هیئت‌محور بر شبکه‌های مردمی غیر متمرکز استوار است که سبب انعطاف‌پذیری بیشتر و توانایی سازگاری سریع در شرایط بحرانی می‌شود؛ همچنین تلفیق ابعاد ارزشی و کارکردی در این الگو نشان می‌دهد که

هیئت‌ها، علاوه بر ترویج ارزش‌های اسلامی، در حل مسائل اجتماعی مانند فقر و آسیب‌های فرهنگی نیز نقش دارند. موفقیت این الگو، به طراحی چارچوب‌های قانونی و راهبردی برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت هیئت‌ها در گام دوم انقلاب اسلامی وابسته است، تا این نهادها بتوانند به قطب‌های فرهنگی و اجتماعی پایدار در حکمرانی تبدیل شوند.



شکل ۲. الگوی پارادایمی حکمرانی هیئت محور

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه‌گیری

هیئت‌ها در چهار دهه گذشته، فراتر از نهادهای فرهنگی صرف، به‌عنوان ابزارهای هوشمند حکمرانی اسلامی ایفای نقش کرده‌اند. این نهادها، با بهره‌گیری از سه اصل بنیادین مردمی‌بودن، انعطاف‌پذیری و تلفیق سنت با مدرنیته، توانسته‌اند شکاف‌های نهادی را پر کنند و ضمن تقویت مشارکت عمومی، الگویی بومی و مؤثر در حکمرانی ارائه دهند.

۱. پر کردن حلقه مفقوده میان حاکمیت و ملت هیئت‌ها، برخلاف نهادهای رسمی که اغلب با محدودیت‌های دیوانسالارانه روبه‌رو هستند، ساختاری غیر متمرکز و پویا دارند. این ویژگی، آن‌ها را به پل ارتباطی میان مردم و حکمرانی تبدیل کرده، و امکان انتقال نیازها، مطالبات و دغدغه‌های اجتماعی را به نهادهای تصمیم‌گیرنده فراهم ساخته است.

۲. کاهش هزینه‌های اجرایی در حوزه فرهنگ و مدیریت بحران هیئت‌ها، با ظرفیت بسیج مردمی، بسیاری از وظایف نهادهای رسمی را در زمینه‌های فرهنگی، تربیتی و حتی امدادرسانی برعهده

گرفته‌اند. از نمونه‌های آشکار آن، نقش هیئت‌ها در سازمان‌دهی کمک‌های مردمی طی بحران‌های طبیعی (مانند زلزله کرمانشاه) و فعالیت‌های فرهنگی رویارویی با تهاجم نرم است. این فرایند، نه تنها بار مالی دولت را کاهش، بلکه کارآمدی حکمرانی را نیز افزایش می‌دهد.

۳. تقویت مشروعیت نظام از طریق مشارکت غیررسمی مردم، هیئت‌های مذهبی از طریق مناسبت‌های دینی و شبکه‌های اجتماعی خود، بستری گسترده برای مشارکت مردمی ایجاد کرده‌اند. این مشارکت، نه تنها در برگزاری آیین‌های مذهبی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی، تربیتی و حتی سیاسی نمود پیدا کرده، و به تثبیت مشروعیت نظام از پایین به بالا منجر شده است. به عبارت دیگر، هیئت‌ها با نهادینه کردن ارزش‌های دینی، هم‌زمان هم انسجام اجتماعی را تقویت، و هم ارتباط نظام با جامعه را تحکیم کرده‌اند.

حکمرانی هیئت‌محور نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی می‌تواند با تکیه بر نهادهای مردمی خودجوش، ساختاری انعطاف‌پذیر و پاسخگو ارائه کند که از نظریه‌های کلاسیک غربی متمایز است و به نیازهای فرهنگی و اجتماعی بومی جامعه پاسخ دهد. این الگو، ضمن حفظ هویت دینی، می‌تواند کارآمدی، مشروعیت و انسجام اجتماعی را به شیوه‌ای متوازن ارتقا دهد.

ب) پیشنهادها

الف. سیاست‌گذاری: تدوین سند راهبردی هیئت‌های مذهبی در اسناد کلان مانند برنامه هفتم توسعه، با تمرکز بر مدیریت بحران‌های اجتماعی، تولید محتوای فرهنگی و آموزش مهارت‌های زندگی؛ همچنین ایجاد صندوق مالی هیئت‌ها با مشارکت دولت و بخش خصوصی برای حمایت از فعالیت‌های عام‌المنفعه و اعطای تسهیلات کم‌بهره به هیئت‌های فعال در مناطق محروم

ب. پژوهش: طراحی شاخص‌های ارزیابی تأثیرگذاری هیئت‌ها در زمینه‌هایی مانند کاهش فساد اداری و افزایش مشارکت اجتماعی. انجام مطالعات تطبیقی با نهادهای مشابه در کشورهای اسلامی، ازجمله بررسی نهادهای مذهبی لبنان برای استخراج الگوهای موفق

ج. اجرایی: راه‌اندازی سکوی ملی هیئت‌های هوشمند برای اشتراک‌گذاری تجربه، جذب حمایت مردمی و آموزش مجازی؛ تبدیل هیئت‌ها به قطب‌های فرهنگی از طریق اختصاص فضاهای عمومی برای اجرای برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی؛ تقویت دیپلماسی عمومی با استفاده از زائرین اربعین برای معرفی الگوی حکمرانی اسلامی در سطح بین‌المللی

د. نظارت: تدوین منشور اخلاقی فعالیت هیئت‌ها برای جلوگیری از انحرافات احتمالی مانند سیاسی‌سازی افراطی یا ترویج خرافات و حفظ سلامت فکری و اجتماعی این نهادها

الگوی حکمرانی هیئت‌محور، نه نظریه‌ای انتزاعی، بلکه دستاورد عینی گام اول انقلاب است که می‌تواند در گام دوم به الگویی جهانی تبدیل شود. موفقیت این الگو، وابسته به خرد جمعی حکومت برای به رسمیت‌شناختن هیئت‌ها به‌عنوان «میراث زنده انقلاب اسلامی» است.

سپاسگزاری

نویسنده مراتب سپاس و قدردانی خود را از استاد راهنما و مشاوران محترم ابراز می‌دارد که با ارائه راهنمایی‌های ارزشمند نقش مؤثری در پیشبرد این پژوهش داشتند؛ همچنین از نشریه «فصلنامه حکمرانی متعالی» و داوران محترم آن قدردانی می‌شود که با نقدها و پیشنهادها سازنده خود به بهبود کیفیت مقاله کمک کردند. اهتمام این نشریه در انتشار پژوهش‌های علمی و ترویج دانش بومی، شایسته تقدیر است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی، بیانات.

- حسین آفروش، رحیم (۱۴۰۳). داستان ما مردم (تجربه‌نگاری فرایند شکل‌گیری شبکه مردمی فعالان فرهنگی و ارائه راه‌کارهای ایجاد و گسترش کنشگری اجتماعی)، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- کمیحانی، علی و عیوضی، محمد رحیم (۱۴۰۲). حکمرانی مطلوب در سپهر حکمرانی علوی: از شاخص‌ها تا آموزه‌ها، حکمرانی متعالی، ۳(۳): ۳۳-۹.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و احسانی راد، فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه پایدار، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۳(۴): ۴۵-۲۵.
- مرادی، محمد و مازوچی، مجتبی (۱۴۰۳). سازوکارهای حکمرانی مشارکتی و مردمی با استفاده از داده‌های دولتی باز. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۱۹): ۲۷۴-۲۳۵.
- مظاهری، محسن حسام (۱۳۸۹)، رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌ها در ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ملکی، یوسف و مقدمی شهیدانی، سهراب (۱۴۰۳). تحلیل شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی در مذاکرات قانون اساسی در مقایسه با حکمرانی مطلوب. حکمرانی متعالی، ۵(۳): ۱۰۴-۸۳.

References

- Altschuler, D., & Corrales, J. (2013). The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala. **Springer**.
- Camba, A. A. (2014). Participatory governance in the EU: Enhancing or endangering democracy and efficiency? *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 27(3), 536–538.
- Halim, R. (2018). Collaborative governance model in the village fund management at Banggai Regency. *Asian Journal of Environment, History and Heritage*, 2(2).
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). **Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques (2nd ed.)**. Thousand Oaks, CA: Sage.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

